

واقعیت اجتماعی و اعتباریات

از دیدگاه علامه طباطبایی و جان سرل

منصوره اولیایی

شناسنامه پژوهشی اثر

عنوان طرح‌نامه: بررسی دیدگاه جان سرل در باب واقعیات اجتماعی
و مقایسه آن با اعتباریات علامه طباطبایی (ره)

پژوهشگرده: دین‌پژوهی، گروه علمی: منطق فهم دین،

محقق: منصوره اولیایی

ارزیابان علمی: آقایان علی‌رضا قائمی‌نیا و محمدعلی اردستانی

موضوع اصلی: واقعیات اجتماعی و اعتباریات

موضوع فرعی: بررسی تطبیقی واقعیت اجتماعی از دیدگاه جان سرل با اعتباریات علامه طباطبایی (ره)

مدت انجام تحقیق: ۱ سال



واقعیت اجتماعی و اعتباریات از دیدگاه علامه طباطبائی و جان سرل

منصوره اولیایی

ناشر: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

مطابع جلد: سید ایمان نوری نجفی

چاپ اول: ۱۳۸۹ شمارهگان: ۲۵۰۰ نسخه

قیمت: ۴۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۰۸-۱۱-۱

چاپ و صحافی: چاپ محاب

سرشناسه: اولیایی، منصوره، ۱۳۳۸-

عنوان و نام پدیدآور: واقعیت اجتماعی و اعتباریات: از دیدگاه علامه طباطبائی و جان سرل / منصوره اولیایی.

مشخصات نشر: تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری: ۲۵۶ ص. قیمت: ۴۰۰۰۰ ریال شابک: 1-110-108-600-978

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: نمایه

یادداشت: کتابخانه: ص. [۲۲۲]-۱۳۴۸: همچنین به صورت زیر درج.

موضوع: طباطبائی، سید محمدحسین، ۱۲۸۱-۱۳۴۰. - نظریه درباره ادراکات اعتباری.

موضوع: سرل، جان آرد، ۱۹۳۲- . - نظریه درباره شناخت (جامعه‌شناسی)

موضوع: فلسفه و علوم اجتماعی. موضوع: ادراکات اعتباری. موضوع: شناخت (جامعه‌شناسی)

ناسه افزوده: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

رده‌بندی کنگره: ۱۲۳۸ ۹ قف ۴ BBR ۱۳۳۵

رده‌بندی دیویی: ۱۸۹/۱

شماره کتابشناسی ملی: ۲۴۲۱۵۲۸

فروشگاه و نمایشگاه دائمی: تقاطع بزرگراه شهید مدرس و خیابان شهید بهشتی، پلاک ۵۶

تلفن: ۰۲۰ ۸۸۵۰۵۴۰۲ - ۸۸۵۰۳۴۴۱

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

فهرست

پیشگفتار	۱۳
مقدمه	۱۷
درباره جان سرل	۲۰
درباره علامه طباطبائی	۲۴
۱. نیازسنجی جامعه و تشکیل گروه نویسندگان حرفه‌ای	۲۶
۲. تلاش وافر برای از بین بردن شکاف بین فلسفه و دین	۲۷
۳. تلاش برای استحکام روابط میان حوزه و دانشگاه	۲۸
۴. تلاش برای ارتباط با دنیای غرب و مطالعه آرای غربیان	۲۹
درباره اهمیت این اثر	۳۰
فصل اول: واقعیت اجتماعی	۳۵
۱. مقدمه	۳۵
نکته‌های مهم در مورد کتاب ساخت واقعیت اجتماعی	۳۸
نکته اول	۳۸
نکته دوم	۳۹
نکته سوم	۳۹
۲. وجودشناسی	۴۰
۲-۱. وجودشناسی واقعیت‌های اجتماعی	۴۰

- ۲-۱-۱. وجودشناسی بنیادی..... ۴۲
- ۲-۱-۲. ماهیت واقعیت اجتماعی..... ۴۴
- ۲-۱-۲-۱. تمایز میان ویژگی‌های عینی و ذهنی واقعیت اجتماعی..... ۴۴
- ۲-۱-۲-۲. تمایز میان ویژگی‌های ذاتی و وابسته به مشاهده‌گر واقعیت اجتماعی..... ۴۵
- ۲-۲. وجودشناسی واقعیت غیراجتماعی..... ۴۸
- ۲-۲-۱. ویژگی‌های رئالیسم بیرونی جان سرل..... ۴۹
- ۲-۲-۲. اشکال‌های سرل به نسبت مفهومی..... ۵۲
۳. ساختار..... ۵۷
- ۳-۱. مؤلفه‌های واقعیت نهادی..... ۵۸
- ۳-۱-۱. تعیین کارکرد..... ۵۸
- ۳-۱-۲. حیثیت التفاتی جمعی..... ۶۰
- ۳-۱-۲-۱. رابطه حیثیت التفاتی و کارکرد..... ۶۱
- ۳-۱-۲-۱-۱. کارکردهای عاملی..... ۶۲
- ۳-۱-۲-۱-۲. کارکردهای پایگاهی..... ۶۲
- ۳-۱-۳. قانون تأسیسی..... ۶۴
- ۳-۱-۳-۱. روابط میان قوانین تأسیسی (روابط درون ساختاری)..... ۶۸
- ۳-۱-۳-۲. قانون تأسیسی و قدرت وظيفی..... ۶۸
- ۳-۱-۴. پس‌زمینه..... ۷۲
۴. سلسله روابط میان واقعیت‌ها..... ۷۶
۵. ویژگی‌های واقعیت اجتماعی..... ۷۹
- ۵-۱. خود ارجاعی تعداد زیادی از مفهوم‌های اجتماعی..... ۷۹
- ۵-۲. استفاده از اظهارات انشائی در خلق واقعیت‌های نهادی..... ۸۱
- ۵-۳. تقدم منطقی وقایع مادی بر وقایع نهادی..... ۸۲
- ۵-۴. روابط سیستماتیک میان واقعیت‌های نهادی..... ۸۳
- ۵-۵. تقدم افعال اجتماعی بر هویت‌های اجتماعی و تقدم فرایندها بر محصولات..... ۸۳
- ۵-۶. سازه زبانی در تعداد زیادی از وقایع نهادی..... ۸۴
- ۵-۶-۱. چگونگی وابستگی واقعیت‌های نهادی به زبان..... ۸۵

- ۵۶-۲ ضرورت کارکردهای زبان در واقعیت نهادی ۸۶
- ۶ دیدگاه جامعه‌شناختی سرل ۸۹
- ۶-۱ سرل و علوم اجتماعی ۸۹
- ۶-۲ نهادهای اجتماعی از دیدگاه سرل ۹۱
- ۶-۲-۱ نحوه عمل فرد در درون نهاد ۹۵
- ۶-۳ انتقاد سرل به جامعه‌شناسان ۹۵
- فصل دوم: اعتبارات و هویت‌های اعتباری ۹۷**
- ۱ نگاه کلی به بحث اعتبارات انسانی ۹۷
- الف) اعتبار کردن (به‌عنوان یک عمل ذهنی) ۹۸
- ب) ادراکات اعتباری ۹۹
- ج) هویت‌ها و شیون اعتباری ۹۹
- د) علوم اعتباری ۱۰۰
۲. تعاریف- معانی ۱۰۴
۳. مکانیزم اعتبار ۱۰۷
- ۳-۱. قوه فعاله ۱۰۷
- ۳-۲. ضابطه باید ۱۰۹
۴. انواع اعتباریات ۱۱۱
- ۴-۱. اعتباریات قبل الاجتماع ۱۱۴
- ۴-۱-۱ اعتبار وجوب ۱۱۴
- ۴-۱-۲ اعتبار حسن و قبح ۱۱۵
- ۴-۱-۳ اعتبار اخف و اسهل ۱۱۶
- ۴-۱-۴ اعتبار استخدام، اجتماع و عدالت اجتماعی ۱۱۶
- ۴-۱-۵ اعتبار متابعت علم و اعتبار ظن اطمینانی ۱۱۸
- ۴-۱-۶ برخی دیگر از اعتبارات عمومی: اعتبار اختصاص، اعتبار فایده و غایت در عمل ۱۱۹
- ۴-۲ اعتباریات بعد الاجتماع ۱۱۹
- ۴-۲-۱ اصل ملک ۱۲۰

- ۱۲۰..... ۴-۲-۲. کلام - سخن
- ۱۲۱..... ۴-۲-۳. ریاست و مرئوسیت و لوژم آنها
- ۱۲۳..... ۴-۲-۴. اعتبار امر و نهی و جزا و مزد
- ۱۲۳..... ۴-۲-۵. اعتبارات در مورد تسلوی طرفین
- ۱۲۳..... ۵. معرفت‌شناسی ادراکات و هویت‌های اعتباری
- ۱۲۴..... ۵-۱. ادراکات حقیقی
- ۱۲۴..... ۵-۲. ادراکات اعتباری
- ۱۲۵..... ۵-۳. تفاوت ادراکات حقیقی و اعتباری
- ۱۲۵..... ۶. معرفت‌شناسی هویت‌ها و شئون اعتباری
- ۱۲۷..... ۷. وجودشناسی ادراکات و هویت‌های اعتباری
- ۱۲۸..... ۸. اصول زیربنایی نظریه اعتباریات
- ۱۲۸..... ۸-۱. اصل استخدام
- ۱۲۸..... ۸-۲. اصل علت و معلولیت
- ۱۲۲..... ۸-۳. مبانی دینی و اعتقادی اعتباریات
- ۱۳۴..... ۹. ویژگی‌های اعتباریات
- ۱۳۴..... ۹-۱. اعتباریات مطابق خارجی ندارند
- ۱۳۴..... ۹-۲. اعتباریات آثار خارجی دارند
- ۱۳۵..... ۹-۳. اعتبار کردن یک عمل ذهنی است
- ۱۳۵..... ۹-۴. اعتباریات دچار تغییر و تبدلند
- ۱۲۷..... ۹-۴-۱. عوامل مؤثر بر تغییر اعتبارات
- ۱۲۷..... الف) محیط
- ۱۲۷..... ب) شغل
- ۱۲۷..... ج) تکرار و تلقین
- ۱۲۷..... د) توسعه علوم و تکامل بشری
- ۱۲۸..... ۹-۵. اعتباریات بر حقیقتی استوارند
- ۱۳۹..... ۹-۶. حد ندارند
- ۱۳۹..... ۹-۷. ارتباط تولیدی با ادراکات و علوم حقیقی ندارند
- ۱۴۱..... ۹-۸. اشتراک انسان و حیوان در ادراکات اعتباری

۱۰. مروری بر انتقادهای انجام شده بر مباحث علامه طباطبائی علیه السلام ۱۴۲
- ۱۰-۱. انتقادهای صاحب نظران در مورد بی توجهی علامه طباطبائی علیه السلام به پیشینه بحث اعتباریات ۱۴۲
- ۱۰-۲. انتقادهای شهید مطهری ۱۴۸
- ۱۰-۲-۱. اشکالات به اصل استخدام ۱۴۸
- ۱۰-۲-۲. پاسخ اشکالات به اصل استخدام ۱۴۹
- پاسخ اشکال اول ۱۴۹
- ۱۰-۲-۳. اثبات وجود اعتباریات در میان حیوانات ۱۵۲
- ۱۰-۲-۴. دو نکته مهم در مورد اصل استخدام ۱۵۶
- ۱۰-۳. انتقادهایی به جامعه علمی ۱۵۷
- ۱۰-۳-۱. قائل نشدن جایگاهی مستقل برای مبحث اعتباریات ۱۵۸
- ۱۰-۳-۲. نگاه تقلیل گرایانه به اعتباریات ۱۵۸
- ۱۰-۳-۳. اشتباههای محققان و مفسران در روشن سازی مطالب ۱۵۹
- ۱۰-۳-۴. عدم ادامه مبحث اعتباریات و متوقف نمودن این مبحث به طور کامل ۱۵۹
۱۱. بررسی نگاه جامعه شناختی علامه طباطبائی علیه السلام با نظر به اعتباریات بعدالاجتماع ۱۶۰
- ۱۱-۱. روند شکل گیری جامعه و هویت های اعتباری اجتماعی ۱۶۱
- ۱۱-۲. ویژگی های اعتبارات اجتماعی براساس نظریه های علامه طباطبائی علیه السلام ۱۶۸
- ۱۱-۳. جامعه از نظر علامه طباطبائی علیه السلام ۱۷۵
- ۱۱-۴. جامعه شناسی در اندیشه علامه طباطبائی علیه السلام ۱۸۲
- ۱۱-۵. دو نکته مهم در شناخت بینش جامعه شناسانه علامه طباطبائی علیه السلام ۱۸۶

فصل سوم: مقایسه دیدگاه جان سرل و علامه طباطبائی در باب

- واقعیت اجتماعی ۱۸۹
۱. جایگاه مباحث اجتماعی در اندیشه دو فیلسوف ۱۸۹
۲. بررسی رویکرد علامه طباطبائی علیه السلام و جان سرل ۱۹۰

- ۲-۱. بررسی رویکرد جان سرل ۱۹۱
- ۱-۲-۱. رویکرد طبیعت‌گرایی زیستی ۱۹۱
- ۱-۲-۱-۱. ویژگی‌های پدیده‌های ذهنی از نظر سرل ۱۹۲
- ۱-۲-۱-۲. ساختار عمل انسان بر اساس رویکرد طبیعت‌گرایی زیستی ۱۹۵
- ۱-۲-۱-۲-۱. اصول سازنده عمل از دید سرل ۱۹۵
- حیثیت التفاتی ۱۹۵
- علیت التفاتی ۱۹۶
- ۱-۲-۱-۲-۲. نظریه سرل در مورد عمل ۱۹۷
- ۱-۲-۲. رویکرد زبان‌شناختی سرل ۱۹۸
- ۲-۲. بررسی رویکرد علامه طباطبایی رحمته‌الله ۲۰۱
- ۲-۲-۱. تقابل رویکرد جان سرل و علامه طباطبایی رحمته‌الله ۲۰۳
۳. بررسی اصول کلی حاکم بر اندیشه اجتماعی جان سرل و مقایسه آن با دیدگاه علامه طباطبایی رحمته‌الله ۲۰۶
- ۳-۱. رئالیسم ۲۰۶
- ۳-۱-۱. رئالیسم از دیدگاه جان سرل و رابطه آن با علم و معرفت انسانی ۲۰۶
- ۳-۱-۲. رئالیسم از دیدگاه علامه طباطبایی رحمته‌الله ۲۰۸
- ۳-۲. رابطه بین ذهنیت و عینیت در حوزه عمل انسانی ۲۱۰
- ۳-۳. زبان ۲۱۱
- ۳-۴. رابطه میان واقعیت طبیعی و واقعیت اجتماعی ۲۱۵
۴. مشترکات علامه طباطبایی رحمته‌الله و جان سرل در بحث مبانی ۲۱۸
- ۴-۱. جایگاه اصل استخدام و اصل تعیین کارکرد در شکل‌گیری واقعیت اجتماعی ۲۱۸
- ۴-۲. خود ارجاعی واقعیت اجتماعی ۲۱۹
- ۴-۳. وجود حیثیت التفاتی در حیوانات ۲۲۱
- ۴-۴. رابطه اعتباریات و واقعیت‌های نهادی با وظایف و حقوق انسانی ۲۲۲
۵. اختلاف‌های علامه طباطبایی رحمته‌الله و جان سرل در بحث مبانی ۲۲۳
- ۵-۱. مفهوم قرارداد ۲۲۳
- ۵-۲. علیت اجتماعی ۲۲۴
- ۵-۳. تشخیص جمعی و اعتبار عقلا ۲۲۵

۵۴. تفاوت دو فیلسوف در پذیرش ریشه‌های دینی اعتباریات و امور اجتماعی --- ۲۲۶
۶. نگاهی کلی به واقعیت اجتماعی از دیدگاه دو فیلسوف ۲۲۷
- پیوست: زندگی من ۲۳۷
- کتابنامه ۲۴۳
۱. کتاب‌های فارسی ۲۴۳
۲. مقالات ۲۴۶
۳. پایان‌نامه‌ها ۲۴۷
۴. منابع عربی ۲۴۷
۵. منابع انگلیسی ۲۴۷
- فهرست آیات ۲۴۹
- نمایه ۲۵۱

پیشگفتار

در پرتو پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و استقرار نظامی براساس ارزش‌های معنوی و احکام الهی در ایران، بار دیگر تفکر دینی به‌عنوان اندیشه‌ای امیدزا، حیاتبخش و هرفی، در عرصه حیات انسان معاصر ظاهر شد. تجدید حیات اندیشه و حیاتی و ارزش‌های معنوی، از سویی سبب بیداری و خودباوری ملت‌های مسلمان و احیای روح ستم‌ستیزی در آنان شد و از دیگر سو باعث نمایان‌تر شدن سست‌بایگی مسلک‌ها و مکاتب بشر پرداخته و نظام‌های استوار بر آنها گردید.

بایستگی تحقیق دقیق، جامع و منسجم، پیرامون زیرساخت‌های اندیشه دینی و نظامات اجتماعی مبتنی بر آن و ضرورت پرداخت علمی و روزآمد به حوادث واقعه فکری، به فراخور شرایط کنونی و درخور این رستخیز عظیم، و نیز لزوم آسیب‌شناسی در حوزه فرهنگ ملی و باورداشت‌های دینی، به‌منظور تبیین عرضه صحیح و دفاع معقول از اندیشه دینی و زدودن پیرایه‌های موهوم و موهون از ساحت قدسی دین، و صیانت از هویت فرهنگی و سلامت فکری اقشار تحصیل‌کرده و نسل جوان کشور، تأسیس نهاد علمی- پژوهشی و آموزشی ممحض و کارآمدی را فرض می‌نمود.

بدین منظور پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، که نهادی علمی و غیرانتفاعی است در قالب پنج پژوهشکده حکمت اسلامی، دین‌پژوهی، نظام‌های اسلامی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی و پژوهشکده دانشنامه نگاری دینی، در سال ۱۳۷۳ تأسیس شد.

پژوهشکده دین پژوهی، که مشتمل بر سه گروه علمی با عنوان‌های «قرآن پژوهی»، «کلام و دین پژوهی» و «منطق فهم دین» است، در جهت تحقق اهداف ذیل فعالیت می‌نماید:

۱. بازپژوهی و بازپیرایی حکمت و کلام و معارف اسلامی؛
۲. تبیین و ساماندهی مناسب مباحث زیرساختی اندیشه دینی؛
۳. ایجاد بستر مناسب برای تعمق و پویایی و بالندگی اندیشه دینی؛
۴. پاسخ به شبهات القانی در قلمرو عقاید و کلام اسلامی؛
۵. نقد مکاتب و دیدگاه‌های معارض در حوزه زیر ساخت‌های اندیشه دینی.

در راستای تحقق اهداف فوق، هریک از گروه‌ها، پس از تهیه عنوان‌های مطالعاتی اساسی و اولویت‌گذاری و تهیه پیش‌طرح و تصویب آن در شورای علمی گروه، آن را به اعضای هیئت علمی خود و یا محققان عرصه دین پژوهی، واگذار نموده و با نظارت بر روند اجرای تحقیق و تأیید نهایی، برای دسترسی عموم دانش‌پژوهان حوزه دین پژوهی، آن را به چاپ و نشر می‌رسانند.

کتاب پیش‌رو که به بررسی تطبیقی واقعیت اجتماعی از دیدگاه جان سرل و اعتباریات علامه طباطبایی می‌پردازد، تلاشی ارزشمند در جهت شناخت میراث غنی فلسفی و اجتماعی گذشته ما می‌باشد. این اثر به مقایسه جان سرل و علامه طباطبایی با تمرکز بر مباحث اجتماعی پرداخته و اعتباریات اجتماعی را که مورد غفلت اندیشمندان بوده است، مورد بررسی قرار می‌دهد. در این اثر سعی شده است با تکیه بر بحث اعتبارات اجتماعی، مشابهت‌ها و تفاوت‌های میان علامه طباطبایی رحمته‌الله و جان سرل، مشخص شود. به جرأت می‌توان گفت که این اثر، اثری نو در حوزه فلسفه اجتماعی است که به واسطه نشان دادن مباحث عمیق و در عین حال جدید در دنیای غرب، توجه در آثار علامه، نقد رویکردهای پیشین به مبحث اعتباریات و توجه به مسئله اعتبارات اجتماعی و مقایسه آن با دیدگاه فیلسوف بزرگ قرن بیست و یکم، جان سرل، قابل توجه و تأمل است.

فرضیه این پژوهش این است که واقعیت اجتماعی و نهادی جان سرل همان اعتبارات اجتماعی علامه طباطبایی رحمته الله علیه می باشد که می توان آن را به صورت فرمول «X» در زمینه C به عنوان «Y» تلقی می شود» و فرمول «X اعتبار می شود Y» نشان داد. در نهایت پژوهش، تطابق این دو مبحث در اندیشه این دو فیلسوف را به طور کامل نمی پذیرد به طور مثال Y در هر دو دیدگاه یک امر ذهنی است؛ اما در دیدگاه علامه طباطبایی با نظر به یک امر حقیقی و مجزا از X به وجود آمده است. بنابراین، روند ساخت واقعیت نهادی سرل با اعتبار علامه طباطبایی تفاوت فاحشی دارد، هر چند ماهیت هویت اجتماعی برآمده از اعتبار اجتماعی و قانون تأسیسی یکی است.

دیدگاه جان سرل در مورد واقعیت اجتماعی شباهت زیادی به دیدگاه علامه طباطبایی در مورد اعتبارات اجتماعی دارد، لیکن تفاوت های بنیادی و هستی شناختی ظریفی در دیدگاه این دو وجود دارد که در این کتاب به آن پرداخته می شود.

پژوهش حاضر براساس فرایند پژوهشی پژوهشگاه و در راستای اهداف پژوهشکده و به قلم محقق ارجمند سرکار خانم منصوره اولیایی در گروه منطق فهم دین، تألیف و به زیور طبع آراسته شد.

در پایان بر خود فرض می دانیم از زحمات محقق محترم و اعضای ارجمند شورای علمی گروه منطق فهم دین و نیز ارزیابان محترم حجج اسلام آقایان قائمی نیا و اردستانی و سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی که مسئولیت آماده سازی، انتشار و توزیع آن را بر عهده دارند، سپاسگزاری نماییم. توفیق روزافزون شان را از خداوند منان، خواهانیم.

گروه منطق فهم دین

پژوهشکده دین پژوهی

مقدمه

اثر پیش‌رو، پژوهشی میان‌رشته‌ای در دو حوزه فلسفه و جامعه‌شناسی است.

پیتر وینچ می‌گوید:

مشکلات فلسفی که در جامعه‌شناسی بروز می‌کند، اجسام فرساینده بیگانه‌ای نیستند که لازم باشد پیش از آنکه جامعه‌شناسی بتواند بر روی خطوط مستقل علمی خود به پیش برود، آنها را بزدايد. برعکس، معضل اصلی جامعه‌شناسی؛ یعنی تبیین ماهیت پدیده‌های اجتماعی به‌نحو عام، خود به فلسفه تعلق دارد.^۱

توجه به «واقعیت اجتماعی» یکی از مسائل مهم بشری است. در اندیشه فیلسوفان بزرگ، توجه به واقعیت اجتماعی وجود داشته است. با اکتشاف‌های فلسفی ویتگنشتاین، نگاه جدیدی به واقعیت اجتماعی صورت گرفت. فیلسوفان متأثر از ویتگنشتاین مانند پیتر وینچ در تحلیل واقعیت اجتماعی بر نقش زبان تأکید کرده‌اند. جان سرل^۱ فیلسوف بزرگ زبان و ذهن معاصر به‌خوبی در بررسی واقعیت اجتماعی از آن استفاده می‌کند. «فلسفه زبان» اسم موضوعی در خود فلسفه است و با مسائلی از این قبیل سروکار دارد: «چگونه ما با واقعیت رابطه برقرار می‌کنیم؟»، «ماهیت معنا چیست؟»، «صدق و دلالت و ضرورت منطقی چیست؟»، «عمل گفتاری چیست؟» و ...

۱. پیتر وینچ، ایده علم اجتماعی و پیوند آن با فلسفه، ص ۴۵.

سرل خود در مورد فلسفه زبان چنین می‌گوید:

به نظر من، یکی از سؤال‌های بنیادی، و شاید بنیادی‌ترین سؤال، در فلسفه زبان این است که: «زبان چگونه با واقعیت مرتبط می‌شود؟» بنابراین آنچه گفتیم، این سؤال در پرسش بزرگ‌تری جذب می‌شود دایر بر اینکه: چه چیزی در آدمیان به ایشان امکان می‌دهد که چنین اصواتی به زبان بیاورند و چنین نشانه‌هایی بینگارند که دارای این چنین پیامدهای خیره‌کننده‌ای باشد؟ یکی از این پیامدها این است که انسان‌ها با واقعیت رابطه برقرار می‌کنند.^۱

حوزه کاری جان سرل فلسفه تحلیلی است؛ اما از سنت فلسفه تحلیلی فراتر می‌رود. فلسفه زبان، فلسفه ذهن، طبیعت و ساختار نهادهای اجتماعی، پس‌زمینه و شبکه وجودشناسی و علت مباحثی است که او به آن پرداخته است. توجه سرل در کتاب *ساخت واقعیت اجتماعی*^۲ به حوزه اجتماعی منعطف می‌شود و به پرسش‌هایی از این قبیل که ساختار واقعیت اجتماعی چیست؟ چگونه کار می‌کند؟ و چگونه مفهوم‌های اجتماعی در این ساختار عمل می‌کنند؟ پاسخ می‌دهد. او به رابطه واقعیت ذهنی و اجتماعی می‌پردازد.

در مشرق زمین و در میان فلاسفه اسلامی، علامه طباطبایی رحمته‌الله‌علیه به تحلیل موشکافانه و دقیق واقعیت اجتماعی پرداخته است. هم علامه طباطبایی رحمته‌الله‌علیه و هم جان سرل، تمایز خاصی میان ذهنیت و عینیت قائل شده و به ارتباط میان این دو می‌پردازند. معانی اجتماعی که در زمره اعتباریات اجتماعی قرار می‌گیرند، معانی سرایی و وهمی هستند؛ چون حالتی سراب‌گونه در میان حقایق و اعیان دارند.^۳

علامه طباطبایی رحمته‌الله‌علیه معتقد است اگر تعقل و تصور ما نباشد از مفهوم ملک و مالک و مملوک و یاریاست و رئیس و مرنوس در خارج، عین و اثری نیست.

۱. برایان مگی. *مردان اندیشه* «پدیدآورندگان فلسفه معاصر». ترجمه عزت‌الله فولادوند. صص ۳۳۵ و ۳۳۶.

2. John R. Searl, *The Construction of Social Reality*, (New York: The Free Press, 1995.)

۳. سید محمدحسین طباطبایی، *انسان از آغاز تا انجام*، ترجمه صادق لاریجانی، صص ۴۲ و ۴۳.

در واقع در خارج، واقعیتی جز انسان و عین خارجی وجود ندارد.^۱ وقایع اجتماعی و اعتباری دارای ویژگی خاصی هستند و آن این است که وحدتی بین عین و ذهن در مورد آنها وجود ندارد.

ادراکات اعتباری نظریه ابتکاری علامه طباطبایی رحمته الله علیه است که در آثاری چون رساله الاعتبارات، رساله الانسان فی الدنيا، حاشیه بر کفایه، اصول فلسفه و روش رئالیسم (مقاله ششم ادراکات اعتباری)، تفسیر شریف المیزان و کتاب نهایه الحکمه، بیان و تبیین شده است. این نظریه، استعداد و قابلیت به کارگیری در حوزه‌های دانشی گوناگون را دارد؛ اما تاکنون بیشتر دیدگاه فلسفه اخلاق و دانش اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. اعتباریات محصول فعالیت ذهن انسانی است که در جامعه زیست می‌کند؛ لیکن اعتباریات انعکاس ذهنی امر واقع نیست، و ناشی از تکثیر ادراک در ذهن انسانی است. رویکرد اصولی به اعتباریات توسط شیخ محمدحسین اصفهانی معروف به کمپانی صورت گرفته و علامه طباطبایی رحمته الله علیه برای اولین بار از دید فلسفی به آن پرداخته است. ایشان با دید فلسفی خود درگیر مسائل جامعه‌شناسی شده و اعتباریات را به قبل از اجتماع و بعد از اجتماع تقسیم می‌کند. نظریه اعتباریات علامه طباطبایی رحمته الله علیه چنان غنی، جامع و کامل است که در تمامی مباحث او متجلی است. به گونه‌ای که انسان بدون اعتبار را، به ماهی بدون آب تشبیه می‌کند.

بی‌شک اعتباریات یک مبحث حاشیه‌ای نیست؛ بلکه یک ضرورت مفهومی است؛ ضرورتی در عالم انسانی. طرح نظریه اعتباریات کاملاً با سایر نظریه‌ها و افکار و حتی دیدگاه توحیدی و اصالت‌الفطری ایشان مطابق است. روی به توضیح و تشریح اعتباریات فلسفی و اجتماعی می‌پردازد و در مباحث اعتقادی و تفسیری نیز از آن به‌طور کامل استفاده می‌کند.^۲

طرح این بحث در زمان خود، کاربردهای اجتماعی فراوانی داشته است؛ از

۱. همان، ص ۴۲.

۲. همان، ص ۴۵.

۳. برای نمونه رک: سید محمدحسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، محمدباقر موسوی

همدانی، ج ۱۵، ص ۴۰۳.

جمله اینکه جواب دندان شکنی به نسبی گرایانی داد که از امور و ادراکات متغیر انسانی در جهت اثبات نسبییت گرایي استفاده می کردند؛ اما کاربرد دیگر آن، تذکر به اندیشمندان اسلامی بوده است. در میان اندیشمندان اسلامی از حوزه فقه تا اصول و ... افرادی بوده اند که با مقدمات اعتباری، حقایق را تفسیر و بررسی می کردند؛ در حالی که از دید علامه طباطبایی رحمته الله علیه نمی توان از اعتباریات برای حقایق برهان اخذ کرد. به طور مثال، علامه طباطبایی رحمته الله علیه استدلال های اصولین را مشتمل بر خلط ادراکات حقیقی با اعتباری می دانست.^۱

ایشان در حوزه اعتباریات بعدالاجتماع به بررسی و تحلیل واقعیت اجتماعی می پردازد که از دقت های عجیبی برخوردار است.

هدف اصلی این اثر این است که واقعیت اجتماعی از دید جان سرل چه وجه مشترک و متمایزی با اعتباریات از دید علامه طباطبایی رحمته الله علیه دارد؟

برای رسیدن به این هدف، در فصل اول به بررسی واقعیت اجتماعی با تمرکز بر نظریات جان سرل پرداختیم. در فصل دوم اعتباریات مد نظر قرار گرفت. در این فصل ناگزیر مقدماتی را مطرح کرده ایم؛ زیرا بحث اعتباریات بحث پر مناقشه ای در میان اهل نظر است. ما مجبور شدیم برخی اشکال ها را پاسخ گو شده و با تشریح مبحث اعتبار به اعتبار اجتماعی که بحث اصلی است پردازیم. در نهایت در فصل آخر، مقایسه تطبیقی نظریات این دو ارائه شده است. لازم است که در این مقدمه، بیوگرافی و کلیاتی از این دو فیلسوف ارائه شود.

درباره جان سرل

جان راجرز سرل اهل آمریکا در سال ۱۹۳۲ در شهر دنور دیده به جهان گشود. وی در هیجده سالگی و به سال ۱۹۵۰ با استفاده از بورس تحصیلی رودز به انگلیس رفت و در دانشگاه اکسفورد به تحصیل فلسفه اشتغال ورزید.

۱. غلامرضا گلی زواره، *جرعه های جان پخش*، ص ۱۷۴ به نقل از یادنامه شهید مطهری، ج ۲

صص ۲۲۶ و ۲۲۷؛ مجموعه آثار، ج ۶، صص ۴۰۱ و ۴۰۲.

در سال ۱۹۵۹ از رساله دکتری خود با عنوان معنا و حکایت^۱ زیر نظر دو تن از فیلسوفان بزرگ آکسفورد؛ یعنی آستین و استراوسون دفاع کرد و همان سال به آمریکا بازگشت و در دانشگاه کالیفرنیا در برکلی به تدریس پرداخت. سرل طی پنجاه سال گذشته، کارنامه علمی درخشانی از خود بر جای گذاشته است. بیش از دویست و دو مقاله و کتاب در کارنامه خود دارد و به سهم خود در فلسفه معاصر غرب به ویژه در دو حوزه فلسفه زبان و فلسفه ذهن تأثیرگذار بوده است. تفکر سرل در آکسفورد، دانشگاهی که فیلسوفان بزرگی چون آستین، رابلی^۲ و استراوسون در آن تعلیم می‌دادند، شکل گرفت.

در آن روزگار، وجه غالب فلسفه‌ورزی در کشور انگلیس، فلسفه تحلیلی بود. سرل به اقتضای تعالیمی که در آکسفورد دیده بود، نخست مطالعات خود را به زبان معطوف کرد. او که متأثر از ویتگنشتاین متأخر^۳ و پرورش‌یافته آستین^۴ بود، هم خود را مصروف تبیین رابطه زبان و ذهن کرد. سرل نتیجه ده سال مطالعه خود را در سال ۱۹۶۹ در کتاب *افعال گفتاری* منتشر ساخت. وی در این کتاب، نظریه افعال گفتاری را که استادش آستین طرح کرده بود، بسط و توسعه داد و تقریر جامع و نظام‌مندی از آن به دست داد، لوازم و نتایج نظریه را استخراج کرد و کاربردهای آن را در حوزه‌های مختلف نشان داد. سرل تقریباً تمام وقت خود را در دو دهه شصت و هفتاد قرن بیستم صرف تقریر و

1. Sense and Reference.

2. Rawle.

۳. ویتگنشتاین متأخر معتقد بوده است، انسان چون یک نقاش تصویرگر نیست که صرفاً وضع امور را حکایت کند؛ بلکه سخن گفتن و ارتباط زبانی یکی از افعالی است که انسان به دلیل این که موجودی اجتماعی است می‌تواند انجام دهد.

۴. آستین نخستین فیلسوفی بود که بیان کرد در میان اظهارات زبانی طبقه مهمی وجود دارد که دارای صورت جمله‌های خبری‌اند، با این حال، نه صادق‌اند و نه کاذب؛ زیرا قصد گوینده از ادای این جملات توصیف وضع و حال یا واقعی نیست؛ بلکه انجام یک فعل به وسیله همین جملات است؛ برای مثال اگر کسی بگوید:

«قول می‌دهم که شما را ببینم» قصد او از این جمله خبری توصیف وعده و یا حکایت از وعده نیست؛ بلکه با همین جمله وعده می‌دهد و فعل وعده را تحقق می‌بخشد.

توضیح نظریه افعال گفتاری کرد و در سال ۱۹۷۹ کتاب عبارت و معنا^۱ را منتشر ساخت. سپس مطالعات خود را به ذهن معطوف کرد و کتاب *حیثیت التفاتی*^۲ را نوشت. وی سعی کرد که ثابت کند که مطالعه زبان بدون مطالعه ذهن کاری بیهوده است، چنان‌که در مقدمه کتاب *حیثیت التفاتی* رویکرد خود به مسائل زبان را بر این مبتنی می‌داند که فلسفه زبان شاخه‌ای از فلسفه ذهن است و توانایی افعال گفتاری بر عرضه اشیاء و وضع امور در جهان یکی از مصادیق توانایی‌های زیست‌شناختی و بنیادین ذهن (یا مغز) است بر مرتبط ساختن اندامواره با جهان از طریق حالت‌های ذهنی‌ای چون بساور، اراده و به‌خصوص از طریق فعل و ادراک حسی.

سرل در کتاب‌های *افعال گفتاری* و *حیثیت التفاتی* به این مطلب مهم که زبان و افعالی که با آن انجام می‌دهیم، جزء واقعیت‌های مادی و اجتماعی‌اند. تأکید کرده و بر این نکته پای فشرده است که مطالعه زبان در پرتو مطالعه ذهن با این واقعیت که زبان پدیده‌ای اجتماعی است و صورت‌هایی از حیثیت التفاتی که مبنا و پایه زبان‌اند، صورت‌های اجتماعی‌اند، منافاتی ندارد. چنین تحلیلی سرل را متوجه موضوع فلسفی بسیار مهم دیگری به نام واقعیت اجتماعی ساخت. او برای بررسی همه‌جانبه این موضوع سال‌ها مطالعه کرد و سرانجام در سال ۱۹۹۵ کتاب *ساخت واقعیت اجتماعی* را منتشر کرد.

جان سرل در کتاب *ساخت واقعیت اجتماعی* به دنبال این است که چطور جهانی از نهادها بخشی از جهان فیزیکی است؟ سوال اصلی او این است: چگونه واقعیت ذهنی و جهانی از آگاهی، حیثیت التفاتی و سایر پدیده‌های ذهنی در جهانی که شامل کلیتی از عناصر فیزیکی و جبر حاصل از آن است، درهم می‌آمیزد؟ او به بررسی ماهیت واقعیت اجتماعی می‌پردازد. چطور جهان عینی متشکل از پول، مالکیت، ازدواج، دولت، بازی‌های فوتبال و دادگاه‌های

1. Expression and Meaning.

2. Intentionality.

۳. جان آر سرل، *افعال گفتاری*، ترجمه محمدعلی عبداللهی، صص ۶۹-۷۲.

جزایی و ... در جهانی از عنصرهای فیزیکی تبلور پیدا می‌کند؟ جان سرل اساس علوم اجتماعی را هدف قرار می‌گیرد. در واقع او با بینش فلسفی خود به حل مسائل مبهم و بنیادی جامعه‌شناسی می‌پردازد. وی اگرچه خود را در این علم متخصص نمی‌داند؛ اما معتقد است که جواب قانع‌کننده‌ای از سوی بنیانگذاران و جامعه‌شناسان بزرگ به این سؤال داده نشده است. او با توجه به آشنایی که با آثار جامعه‌شناسان بزرگ قرن نوزده و اوایل قرن بیست چون وبر، زیمل و دورکیم دارد و آنها را جامعه‌شناس فیلسوف می‌خواند، معتقد است آنها نتوانستند به این پرسش‌ها پاسخ دهند؛ چون ابزار نظری کافی را نداشتند.^۱ سرل با دید اجتماعی-فلسفی خود ذهن را به حقایق ژرفی معطوف می‌کند. او شرکت‌های سهامی، سازمان‌ها، دانشگاه‌ها، مرزها و پول را پیشرفت‌های مهم در تمدن بشری می‌داند و اهمیت آن را هم‌پایه اختراعاتی چون موتور بخار و هواپیما می‌داند.

در کل ضروری نیست که باید چنین چیزهایی مانند شرکت‌ها یا دانشگاه‌ها وجود داشته باشد؛ اما روشن است که بدون آنها تمدن بشری بی‌قوت و محدود خواهد بود.^۲

سرل طی پنجاه سال گذشته طرح عظیم فلسفی خود را با محوریت زبان، ذهن و واقعیت اجتماعی به پیش برده است. وی سرانجام در سال ۱۹۹۸ با تدوین کتاب *ذهن، زبان و جامعه*^۳ در ترکیبی باشکوه هر سه محور را در کنار یکدیگر قرار داد و ربط و نسبت هریک را با دیگری نشان داد.

این گزارش مختصر، حکایت از این دارد که کارنامه علمی سرل بسیار قابل توجه و درخشان است و به آسانی نمی‌توان آن را نادیده گرفت. او اکنون نیز در سالخورده‌گی فعال است و به استخراج لوازم و نتایج طرح عظیم فلسفی

1. John.R. Searle, *The Construction of Social Reality, The Construction of Social Reality*, (New York: The free press, 1995) p. xi.
2. John.R. Searle, *Social Ontology: Som Basic principles*, <http://socrates.berkeley.edu/~jsearle/articles/html>, 2004, p.19.
3. John R. Searle, *Mind, Language and Society*, (New York: Basic Books, 1998.).

خود در حوزه‌های مختلف اشتغال دارد.^۱

جان سرل از سنت فلسفه تحلیلی که در آن رشد کرده بود فراتر می‌رود. وی معتقد است که با گذشت زمان، «فلسفه ذهن و فلسفه اجتماعی در مجموعه فعالیت‌های فلسفی نقش محوری‌تری خواهند یافت.»^۱ او به‌طور گسترده‌ای در مورد موضوع‌هایی چون فلسفه زبان، فلسفه ذهن، ماهیت و وجودشناسی، علم و علیت صحبت می‌کند؛ اما با این وجود، او همه این موضوع‌ها را با همدیگر ترکیب کرده و سازه‌ای فلسفی ارائه می‌دهد. مباحث او انفعالی است و برخلاف فلسفه معاصر پست‌مدرنیسم، نمونه سرل در مقابل نگاه مسلط در روان‌شناسی و فلسفه ذهن که شدیداً آگاهی را نادیده می‌گیرد، یا به هنگام توضیح پدیده ذهنی آن را در نظر نمی‌گیرد، شدیداً به دفاع از واقعیت و آگاهی می‌پردازد.

درباره علامه طباطبایی

سید محمدحسین طباطبایی رحمته‌الله علیه در سال ۱۲۸۱ شمسی، در تبریز بدنیا آمد. او تحصیلات اولیه را در تبریز گذراند. سپس به نجف اشرف رفته و در مدت ۱۱ سال از محضر اساتید بزرگ استفاده کرد. مراحل عالیه را در رشته‌های فقه، اصول، تفسیر و فلسفه، در نجف اشرف نزد استادان بزرگ از جمله آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین اصفهانی غروی معروف به «کمپانی»، گذراند؛ علاوه بر این، در سیر و سلوک و عرفان علمی و عملی و همچنین علم ریاضیات، غور کرده و به مراحل عالیه رسید. وی پس از طی مراحل کمال به زادگاه خود تبریز بازگشت و پس از چند سال، در سال ۱۳۲۵ عازم قم شد و به تدریس و تربیت شاگردان پرداخت. مهم‌ترین درس‌های او، فلسفه و تفسیر بود.

۱. جان آر سرل، *انعال گفتاری*، مقدمه مترجم، ص ۷۳.

۲. جان آر سرل، *فلسفه تحلیلی*، ترجمه محمد سعیدی مهر، ص ۲۵۲؛ *نگرش‌های نوین در فلسفه*،

اعتیاز بسیار مهم وی، جامعیت در علوم عقلی و نقلی و افق باز و گسترده او است. ایشان طی بحث‌های فلسفی و تفسیری خود، کلیه مسائل مورد نیاز جامعه امروز را با اسلوب علمی و تحقیقی مورد بررسی قرار داد و همان مباحث، به اعتراف مرحوم مطهری، الهام‌بخش وی بوده و سر رشته بسیاری از تحقیقات علمی را به دست وی داده است.^۱

علامه طباطبایی رحمه الله شخصیتی است که در زمانه کنونی در جامعه ما شناخته شده نیست و طبق گفته بزرگان، زمانه بسیار باید برود تا نهایت علم و فضل و معرفت او شناخته شود. شهید مطهری در مورد علامه می‌گوید:

او بسیار مرد عظیم و جلیل‌القدری است ... مردی است که صد سال دیگر باید بنشینند و آثار او را تجزیه و تحلیل کنند و به ارزش او پی ببرند.^۲

همچنین وی می‌گوید:

علامه طباطبایی رحمه الله ما چند تا نظریه در فلسفه دارند، نظریاتی در سطح جهانی که شاید پنجاه تا شصت سال دیگر ارزش اینها روشن شود.^۳

شهید مطهری در مورد تفسیر المیزان می‌گوید:

تا چند سال دیگر همه این کتاب‌ها از رواج و رونق خواهند افتاد و حتی فراموش خواهند شد؛ اما تفسیر المیزان است که مشاهده می‌کنید روزبه‌روز، قدر و منزلت و اعتبار افزون‌تری خواهد یافت، سی سال دیگر تفسیر یادشده جای خود را پیدا نموده و طلوع می‌کند.^۴

استاد جوادی آملی می‌گوید:

اگر اندیشمند باهوشی ضمن تحلیل عقلی همگام دل، قدمی به سوی وحی آسمانی در پهنه تفسیر وسیع علامه طباطبایی رحمه الله بر دارد، خواهد یافت که اگر استاد طباطبایی را *فارابی عصر بنامیم*، سخنی به گراف نگفته‌ایم.^۵

علامه طباطبایی رحمه الله در بلاد خود غریب‌تر از بلاد عرب بوده است، چنانچه

۱. محمد واعظزاده خراسانی، *سیری در زندگی علمی و انقلابی استاد شهید مرتضی مطهری*،

یادنامه استاد شهید مطهری، ج ۱، صص ۳۲۸ و ۳۲۹.

۲. غلامرضا گلی زواره، *جرعه‌های جانتبخش*، به نقل از حق و باطل، صص ۸۹ و ۹۰.

۳. همان، ص ۱۳۶؛ به نقل از حق و باطل، صص ۸۰-۹۰.

۴. همان، ص ۱۳۵. به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی، سوم دی‌ماه ۱۳۶۰ (ضمیمه).

۵. همان، صص ۳۱۴ و ۳۱۵.

در همان سال‌های اولیه انتشار مجموعه تفسیر المیزان در کشورهای عربی این کتاب به یک مرجع مهم و اصیل برای تحقیق تبدیل شد و استفاده استادان و دانشجویان از آن به یک امر روزمره تبدیل شد.^۱

از اساتید علامه طباطبایی رحمته‌الله می‌توان از **علی قاضی طباطبایی تبریزی** (استاد فلسفه و عرفان) دانشور مشهور جهان تشیع، **سید محمدحسین بادکوبه‌ای** (استاد فلسفه)، **سید ابوالقاسم خوانساری** (استاد ریاضی و ادبیات)، **شیخ محمدحسین غروی اصفهانی** معروف به کمپانی و **آیت‌الله نائینی** و **آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی** (استاد فقه و اصول) نام برد.^۲

خدمات فرهنگی و اجتماعی علامه طباطبایی رحمته‌الله به جامعه ایران چنان از اهمیت برخوردار است که بر ما لازم است به برخی از آنها پردازیم.

۱. نیازسنجی جامعه و تشکیل گروه نویسندگان حرفه‌ای

علامه طباطبایی رحمته‌الله آنچه را که می‌دانست و می‌توانست، نمی‌نوشت؛ بلکه آنچه را که نیاز روز جامعه بود به قلم می‌آورد.^۳

علامه نقش مهمی در ارتقای سطح نویسندگی حوزه داشت. وی برای اولین بار، طلاب و فضلاء حوزه را برای نوشتن مقالات در زمینه‌های علمی دعوت نمود و به شکوفایی استعدادها پرداخت. در سال ۱۳۳۰ ه.ش که حملات و تبلیغات مادیگری نویسندگان غیرمتعهد در ایران رواج یافت و کمتر مقاله دینی یافت می‌شد که بتواند پاسخ‌گوی احتیاج‌های روز باشد، علامه طباطبایی رحمته‌الله انجمنی متشکل از فضلاء آن روز حوزه به وجود آورد و از آنان، نویسندگی و تنظیم مقالات در موضوع‌های مختلف را تقاضا کرد. علامه طباطبایی رحمته‌الله قدرت تفکر و اندیشه شاگردانش را پرورش می‌داد؛ به گونه‌ای که از آنان می‌خواست موضوع‌های خاصی در نظر بگیرند و در خصوص آن فکر کرده، تراوش اندیشه خود را بر روی کاغذ بیاورند.

۱. همان، ص ۱۶۶.

۲. همان، ص ۱۷۹.

گروه نویسندگی علامه طباطبایی رحمته الله علیه شامل افرادی چون شهید مطهری، شهید قدوسی، امام موسی صدر، آیت الله ابراهیم امینی، آیت الله جعفر سبحانی و ... بود و در جلسات نویسندگی، طرح موضوع‌ها توسط خود علامه طباطبایی رحمته الله علیه صورت می‌گرفت.^۱

یکی از محصولات ارزنده آن جلسات، نگارش کتاب *اصول فلسفه و روش رئالیسم* بود که ضربه سخت و شکننده‌ای بر پیکر مارکسیست‌ها در ایران وارد آورد و کلیه بافته‌های آنان را رشته کرد، حتی پس از انتشار نخستین جزء از این کتاب، کمونیست‌ها با تشکیل جلساتی تصدیق کردند که مؤلف در نقل مطالب آنان امانت را رعایت کرده و کوچک‌ترین تحریفی ننموده است.^۱

۲. تلاش وافر برای از بین بردن شکاف بین فلسفه و دین

وی سعی کرد دیوار محکمی را که بین فلسفه و دین پدیدار شده بود، از بین ببرد. این جدایی نه تنها اذعان متفکران غرب؛ بلکه در میان حوزویان نیز به اعتقاد راستی تبدیل شده بود. از آیت الله حسن زاده آملی نقل شده است:

آن جناب اصرار و پافشاری‌اش بر این بود که کسی بخواهد بین فلسفه و دین جدایی بیندازد، ظلمی عظیم کرده است؛ چون فلسفه برهان است، حاشا و کلاً که منطوق وحی حکمی داشته باشد بدون برهان و فلسفه و می‌بینیم که سفرای الهی، پیشوایان دین ما که خودشان کلام الله ناطق بودند، با برهان و احتجاج با مردم به سر می‌بردند، به خصوص در میان این جوامع روایی کتاب‌هایی که به‌ویژه در احتجاج نوشته شده مثل احتجاج طبرسی و احتجاج بحار که ائمه اطهار ما، خود پیغمبر اکرم صل الله و علیه و خود قرآن در موارد گوناگون به احتجاج سخن می‌گویند.^۲

علامه طباطبایی رحمته الله علیه استدلال و برهان را برای کسب معارف دینی ضروری می‌دانست.^۲

۱. همان، صص ۱۰۱-۱۰۴.

۲. همان، ص ۱۸۵.

۳. همان، صص ۱۵۲ و ۱۵۳.

۴. همان، ص ۱۷۷.

از دید علامه طباطبایی رحمته الله علیه، رابطه مستقیم بین فلسفه اسلامی و معنویت وجود دارد. وی می‌گوید:

فلسفه اسلامی که از دست علمای اسلامی به ما رسیده است، خالی از معنویت نخواهد بود، طوری است که خودبه‌خود برای انسان که متوجه است، حالت معنویت می‌آورد و تقوا را تأیید می‌کند، توفیق می‌دهد، هدایت می‌رساند.^۱

آیت‌الله محمد محمدی گیلانی می‌گوید:

استادنا الاکرم قواعد عقلی را برای توضیح و تفسیر قرآن کریم به کار نبرده است؛ بلکه بحث‌های فلسفی و روایی را در تفسیر شریف المیزان بهانه‌ای قرار داده است تا بدین وسیله بر اعتبار قواعد عقلی بیفزاید و حقانیت این علوم شریفه را از طریق قرآن معصوم و زبان بیت عصمت صلی الله علیه و آله به ثبوت برساند.^۲

۳. تلاش برای استحکام روابط میان حوزه و دانشگاه

علامه طباطبایی رحمته الله علیه فعالیتش را در حوزه منحصر نکرد. در همان زمان که بین حوزه و دانشگاه دیوار آهنین کشیده شده بود و دستگاه حاکمه هر روز بر استحکام این دیوار می‌افزود و اگر کسانی فکر رخنه از این دیوار را در ذهن می‌گذراندند، متهم می‌شدند، علامه طباطبایی رحمته الله علیه شجاعانه و بدون واهمه با استادان دانشگاه تا حد امکان تماس برقرار کرده و درس‌هایی برای آنها گفت و جلسات بحث برای آنها تشکیل داد که کم‌وبیش آثار این جلسه‌ها منتشر شده است.^۳

۱. همان، ص ۱۲۲ به نقل از: (مجموعه مقالات و پرسش‌ها و پاسخ‌ها) سید محمدحسین

طباطبایی، ج ۲، صص ۳۳۸ و ۳۳۹.

۲. همان، صص ۲۴۸ و ۲۴۹. به نقل از مقاله نمودی از تألیفات مخطوط حجت‌الله محمدی

گیلانی، (با تغییر در برخی عبارات و الفاظ)، مندرج در کتاب یادنامه مفسر قرآن علامه

طباطبایی رحمته الله علیه، صص ۱۹۴ و ۱۹۵.

۳. همان، ص ۳۲۰. به نقل از نقش علامه طباطبایی رحمته الله علیه در احیاء معارف اسلامی، آیت‌الله

مصباح، صص ۲۲ و ۲۳.

۴. تلاش برای ارتباط با دنیای غرب و مطالعه آرای غربیان

علامه طباطبایی رحمته الله علیه پس از تدریس یک دوره فلسفه و اسفار اربعه مرحوم صدرالمآلهین رحمته الله علیه، در قم در صدد برآمدند فلسفه شرق و فلسفه غرب را تطبیق و توفیق دهند. ایشان معتقد بودند بحث‌ها اگر بر پایه برهان و شکل‌های قیاسات صحیحه پایه‌گذاری شود، محال است دو نتیجه مختلف دهد؛ حال در هر مکتبی که بخواهد بوده باشد؛ بنابراین باید به دنبال سر اختلاف فلسفه شرق و غرب رفت و مواضع ضعف را روشن ساخت.

علامه اصولاً معتقد بودند علوم تجربی گرچه تحقق آن در خارج بر اساس تجربه واضح است، لیکن باید ریشه و اصل نتیجه این تجربه را دریافت و در منشأ و علت آن کاوش کرد.^۱

یکی از برنامه‌های مهم علامه طباطبایی رحمته الله علیه، ارتباط با جامعه غرب بود که نمونه آن ارتباط با هانری کریین اسلام‌شناس سرشناس فرانسوی بود.^۲

جعفر سبحانی می‌گوید:

استاد علامه طباطبایی رحمته الله علیه آن فاصله عمیقی را که میان فلسفه شرق و غرب دیده می‌شد از بین برد و میان آنها نوعی اشتراک و تقریب پدید آورد و این برنامه او شبیه کاری است که ملاصدرا نمود و کوشید تا بین مکتب مشاء و مکتب اشراق نوعی تقریب ایجاد کند و ثابت نماید که اشراقی از طریق تهذیب نفس به همان نتیجه‌ای می‌رسد که مشائی از نظر برهان به آن رسیده است.^۳

با توجه به مطالب مطرح شده، علامه طباطبایی رحمته الله علیه دارای شخصیتی ذو ابعاد و دانشمندی با ارتباط‌های وسیع با جوامع علمی دانشگاهی داخل و خارج کشور بوده است و همین امر، عمق و وسعت اندیشه ایشان را نشان می‌دهد.

۱. سید محمدحسین حسینی طهرانی، مهر تابان، ص ۲۲.

۲. هانری کریین، آفاق تفکر معنوی در اسلام ایرانی، ترجمه داریوش شایگان، باقر پرهام، صص ۲۲-۲۵.

۳. غلامرضا گلی زواره، جرعه‌های جانپوش، ص ۱۸۵. به نقل از بیانات آیت‌الله جعفر سبحانی در اولین یادواره علامه طباطبایی رحمته الله علیه (آبان ماه ۱۳۶۱).

درباره اهمیت این اثر

با رجوع به اندیشه و نظریات جامعه‌شناسان بزرگ این نکته مبرهن است که همه آنان از اندیشه فیلسوفان بزرگ بهره برده‌اند. فلسفه هگل، کانت، هایدگر و هوسرل و ... در نظریات اجتماعی سهم به‌سزایی داشته است. چه بسا یک نگرش فلسفی خاص منشأ خلق نظریات بزرگی از سوی جامعه‌شناسان شده است. به‌طور مثال، تفکر فلسفی سرل و استاد او آستین^۱ در اندیشه اجتماعی هابرماس^۲ جامعه‌شناس مشهور معاصر تأثیر به‌سزایی گذاشته است. چنانچه ژان لاکوست در کتاب فلسفه در قرن بیستم می‌نویسد:

در هر صورت، هابرماس از اوایل سال‌های دهه ۱۹۷۰ بر اثر کشف و مطالعه آثار اوستین، سرل، استراوسن^۳ و وب. گرایس^۴ کم‌کم وجه نظر خود را تغییر داد و یک قوه و امکان نقادی در درون زبان تفهیم و تفاهم هر روزی میان اشخاص کشف کرد. پس در واقع، نظریه افعال زبان که پراگماتیک عمومی تلقی می‌شد، در نظر هابرماس به تدریج مثل یک تغییر حقیقی در صورت‌مسئله تفکر می‌شود و در حکم انقلابی در شیوه‌های طرح و بررسی مسئله روابط میان نظر و عمل درمی‌آید. هابرماس یکی از نمونه‌های نادری است که از یک حوزه فکری در سنت فکری دیگری وارد شده و صورت‌مسئله تفکر خود را تغییر داده و انقلاب و تحول بزرگی در شیوه طرح و حل مسئله مناسبت میان عمل و نظریه پدید آورده است.^۵

فهم صحیح از اعتباریات و واقعیت اجتماعی می‌تواند علت تغییرات در ارزش‌های مورد پذیرش یک جامعه را مشخص کند و مبنای مناسبی برای تحلیل نهادهای اجتماعی باشد. به‌رحال این نظریه می‌تواند در حوزه‌های مختلف از قبیل روان‌شناسی و جامعه‌شناسی رفتار انسانی و همین‌طور در

1. Austin.
2. Habermas.
3. Strawson.
4. P. Grice.

روش تفهمی جامعه‌شناسی مورد استفاده قرار بگیرد؛ زیرا فهم صحیح رفتار انسانی در گرو فهم اعتباریاتی است که توسط انسان در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، شکل می‌گیرد.

اندیشمندان بسیاری در مورد اعتباریات از منظر علامه طباطبایی رحمته‌الله کتاب و تحقیق نوشته‌اند، ولی هر کدام بر اساس رویکردی خاص و به فراخور قوه فهم و استنباط خود. ایشان بیشتر از همه در فقه و اخلاق و اصول آن را دنبال کرده‌اند و از همه کمتر در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی.

جان سرل به‌عنوان فیلسوف زبان با کتاب *افعال گفتاری* مطرح می‌شود. صادق لاریجانی در کتاب *فلسفه تحلیلی*^۱ در فصل نظریه توصیفی جدید، به ارزیابی نظریه سرل می‌پردازد که البته خارج از بحث ما است. عبدالکریم سروش در کتاب *تفرج صنع* در مقاله‌ای تحت عنوان «بحث تطبیقی درباره ادراکات اعتباری» به مقایسه کوتاهی میان علامه طباطبایی رحمته‌الله و جان سرل می‌پردازد؛^۲ اما بسیار مجمل و گذرا. سروش اولین بار امکان مقایسه نظریات این دو فیلسوف را به دلیل مشابهت‌های بسیار زیادشان مطرح کرد. محسن جوادی نیز در کتاب *باید و هست*^۳ به مقایسه اندیشه‌های علامه طباطبایی رحمته‌الله و جان سرل می‌پردازد که در این مقایسه کتاب *افعال گفتاری* سرل مرجع قرار گرفته است و مباحث زبانی و فلسفی مطرح است و به بحث ما کمکی نمی‌کند.

از آنجا که افکار و اندیشه‌های جان سرل پیش از این بر اساس کتاب *افعال گفتاری* مورد شناخت و تأمل قرار می‌گرفت، مطالب این کتاب می‌تواند در نوع خود بسیار بدیع و نو باشد و گام مهمی در شناخت فلسفه اجتماعی سرل و لایه‌های پنهان بحث اعتباریات باشد؛ زیرا مبحث اعتباریات اجتماعی مورد غفلت اندیشمندان بوده است.

به‌دست آوردن مبانی فلسفی صحیح برای تولید نظریه‌های جامعه‌شناسی و

۱. صادق لاریجانی، *فلسفه تحلیلی*، ص ۶۷.

۲. عبدالکریم سروش، *تفرج صنع*، صص ۳۶۲ و ۳۶۳.

۳. محسن جوادی، *مسأله باید و هست* (بحثی در رابطه ارزش و واقع)، صص ۱۰۷-۱۱۷.

درک معنای صحیح از اعتباریات و واقعیت اجتماعی بسیار ضروری است. چنانچه علامه طباطبایی رحمته الله علیه در تمییز ادراکات حقیقی از ادراکات اعتباری می‌گوید:

تمییز و تفکیک ادراکات حقیقی از ادراکات اعتباری بسیار لازم و ضروری است و عدم تفکیک آنها از یکدیگر بسیار مضر و خطرناک است و همین عدم تفکیک است که بسیاری از دانشمندان را از پا در آورده است که بعضی اعتباریات را به حقایق قیاس کرده و با روش‌های عقلانی مخصوص حقایق در اعتباریات سیر کرده‌اند و بعضی به‌عکس نتیجه مطالعات خود را در مورد اعتباریات درباره حقایق تعمیم داده‌اند و حقایق را مانند اعتباریات مفاهیمی نسبی و متغیر و تابع احتیاجات طبیعی پنداشته‌اند.^۱

راجر تریگ در اثر معروف خود به نام *فهم علم اجتماعی* که متنی عالی در فلسفه علم اجتماعی است، می‌نویسد:

علم اجتماعی تجربی، اگر بخواهد موفق باشد، باید خود از مبنایی فلسفی که به روشنی بیان شده، آغاز کند. تحلیل کمی، و اندازه‌گیری، از هر نوع، بدون فهمی از موضوع مورد سنجش و اینکه چرا اهمیت دارد، چندان کاربردی ندارد. فلسفه علوم اجتماعی نمی‌تواند فعالیتی اختیاری باشد، که آن کسانی را که از درگیری با کار تجربی واقعی ناراضی‌اند راضی کند. آن فلسفه سرآغازی ضروری برای علم اجتماعی در کل است.^۲

متأسفانه عدم توجه به میراث فلسفی موجود، مشکلات زیادی در نظریه‌پردازی در زمینه‌های اجتماعی برای ما فراهم آورده است؛ این در حالی است که معرفت غربی در حال گسترش است. استاد صادق لاریجانی در این باره می‌گوید:

به نظر من یک نوع فاشیسم یا آپارتاید در معرفت غربی حاکم است. غربی‌ها هم در باب کشورگشایی، زورنمایی می‌کنند و هم در گرفتن ساحت‌های معرفتی، واقعاً رفتاری که آنها با ما در عالم معرفت می‌کنند، با رفتار ما یکسان نیست. به عنوان مثال، ما گمان می‌کنیم که چون فکر مرز

۱. سید محمدحسین طباطبایی، *اصول فلسفه و روش رئالیسم*، مقاله ششم، ج ۲، ص ۱۲۹.

۲. راجر تریگ، *فهم علم اجتماعی*، شهناز مسمی‌پرست، ص ۳۷۶.

ندارد، باید برویم به سراغ کارهای فیلسوفان غربی، که البته به لحاظ معرفتی پیشنهاد کاملاً معقولی است؛ اما طرف مقابل این‌طور عمل نمی‌کند. ما ندیدیم فلاسفه معروف آنها سراغ ملاصدرا و بوعلی سینا بیایند. این ادعا که هر چه آنها می‌گویند، وحی منزل است و ملاصدرا با آن تفکرات عمیقش، چیزی برای گفتن ندارد، «زور محض» است. همان زورگویی در عالم سیاست و نظامی‌گری، به‌نحوی هم در عالم معرفت رخ داده است.^۱

از نظر لاریجانی، نه تنها در بحث سیاسی؛ بلکه در بحث علمی نیز غرب به‌دنبال تسلط بلامطلق خویش است. وی راه حل خویش را این‌گونه ارائه می‌دهد:

راهش این است که ما در حد میسر به معارف دیگران آشنا باشیم و سخن خود را در آن قالب‌ها عرض کنیم. ما نمی‌توانیم با صرف ترجمه، آن هم ترجمه‌های کاملاً غیرفنی، معارف خودمان را به دنیای دیگر برسانیم. ... معارف ما در چهارچوب‌هایی آمده است که برای ما قابل فهم است ولی دیگران به راحتی آن را فهم نمی‌کنند. همان‌طور که ما گاهی حرف‌های آنها را خوب نمی‌فهمیم، مگر بستر و سیاق آن را ببینیم و محل رویش آن را بیابیم، نسبت معارف ما هم همین‌طور است و من فکر می‌کنم بهترین راه شناساندن معارف دینی ما، این است که ما آرای آنها را خوب بدانیم و سخن خودمان را در قالب آنها عرضه کنیم و این کاری پرثمر است من یقین دارم.

مثلاً در بحث‌های اصولی، تحقیقات سرل در بحث فعل گفتاری، جالب است و انصافاً اگر نشان دهیم که ادق این حرف‌ها را، پنجاه یا صد سال قبل از وی اصولیان ما مطرح کرده‌اند، اثر این کار شناساندن معارف اسلامی و نیز چهره عالمان مسلمان، بسیار زیاد است.^۲

این اثر را مدیون راهنمایی‌ها و دلگرمی‌های استاد بزرگوارم، حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر علی‌رضا قائمی‌نیا هستم. امیدوارم که بتوانم تواضع و والامثنی علمی بی‌مثال ایشان را سرلوحه زندگی خویش قرار دهم. سپاس فراوان از

۱. گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین صادق لاریجانی، «علم اصول و فلسفه تحلیلی»، نقد و نظر، شماره اول و دوم، بهار و تابستان ۸۴، سال دهم، ص ۱۶.

۲. همان، ص ۱۷.

حجت الاسلام والمسلمین دکتر پارسانیا، حجت الاسلام والمسلمین دکتر معلمی، حجت الاسلام والمسلمین اردستانی و همه آنانی که یاریگرم بودند، ممنونم از مهربانی‌های پدر و مادرم و همراهی برادرم و سیاست‌گزارم از همسر، مهدی کریمی که با محبت بسیار مرا در انجام این مشکل یاری کرد - به‌ویژه در خواندن متون عربی - و از هیچ کمکی دریغ ننمود.

www.ketab.ir